



اربعین حسینی

در مورد اربعین حسینی اقوال و روایات متعددی است که نیاز به بررسی و تحقیق عمیق و مستند در این راستا می باشد که با تحلیل و بررسی اقوال موجود در نهایت به یک جمع بندی معقول و منطقی برسیم که از جهات متعدد قابل استناد و مقبول بوده باشد و به این طریق بتوانیم این حادثه تاریخی را به صورت مستدل ارائه کنیم که مقبول بوده و مورد تایید مورخین بوده باشد.

ورود خاندان مکرم سیدالشهداء به کربلا در راه بازگشت از شام به مدینه در روز اربعین و الحاق سر مقدس اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به پیکر مطهرش در آن روز، یکی دیگر از وقایع مبهم واقعه عاشورا و حوادث پس از آن است.

به راستی اگرچه حادثه عاشورا دل خراش ترین و غمبارترین حادثه ای است که در طول تاریخ، قلب شیعیان و دوست داران خاندان عصمت و طهارت را جریحه دار ساخته و جا داشت تمامی وقایع آن بدون هیچ کم و کاستی در کتاب های تاریخ نقل شود، اما مع الاسف از آن جا که هم در زمان وقوع حادثه عاشورا و هم پس از آن شیعیان علی بن ابی طالب و فرزندان معصومش تحت بیشترین فشارها و آزارها بوده، سخت ترین شکنجه ها و تحریم ها را متحمل شده و عملاً در حاشیه قرار گرفته بودند ، هیچ گاه امکان ضبط و نقل وقایع غم بار عاشورا و آن چه بر خاندان مکرم سید الشهداء گذشت پدید نیامد. به راستی وقتی تاکنون به طور قطع و یقین سرنوشت سر مقدس اباعبدالله الحسین (علیه السلام) که در واقع یکی از مهم ترین اموری است که باید مورد توجه قرار می گرفت روشن نشده است و اقوال در باره دفن سر مطهر آن حضرت مختلف و متشتت است چگونه می توان انتظار داشت وقایع ریز و درشت دیگری همچون مدّت حبس خاندان سید الشهداء در کوفه ، روز حرکت از کوفه و مسیر حرکت آنان از کوفه تا شام، میزان اقامت آنان در شام و بالأخره مسیر بازگشت آنان به درستی و روشنی ، و بدون هیچ گونه اختلافی ثبت و ضبط شده باشد؟!

می دانیم که بخش اعظم وقایع عاشورا و حوادث پس از آن، توسط مورخان اهل سنت که بعضاً تلاش می کردند دامن یزید و خاندان بنی امیه را از این لکه ننگ ابدی، پاک سازند نقل شده است، پس نباید انتظار داشت تمام

وقایع و حوادث بدون کمترین تحریفی نقل شده باشد. از آن گذشته اگر مورخان نیز قصد نگارش حوادث را به صورت صحیح و بدون تحریف داشتند، حگام وقت ممانعت به عمل آورده و معلوم نبود که چه سرنوشتی در انتظار نویسندگان و نوشته او بود.

مشهور بین عرف شیعه آن است که امام سجاد (علیه السلام) به همراه اهل بیت سیدالشهداء (علیه السلام) در راه بازگشت از شام، به کربلا رفته و روز اربعین موفق به زیارت قبر مطهر حسین بن علی (علیه السلام) و اصحاب باوفایش شدند و پس از سه روز عزاداری و اقامه ماتم به مدینه الرسول (صلی الله علیه و آله) بازگشتند. و نیز بین شیعیان مشهور است که زین العابدین (علیه السلام) سر مطهر پدر را در آن روز به بدن شریفش ملحق نمود.

اما با وجود این از دیرباز در میان محققان و صاحب نظران در باره رسیدن کاروان اسرا در اربعین اول به کربلا اختلاف نظر بوده است.

برخی آن را تایید کرده، شواهد تاریخی بر آن اقامه می کنند و برخی دیگر، حضور خاندان سید الشهداء (علیه السلام) را در اربعین اول انکار کرده تحقق آن را امکان پذیر ندانسته یا محقق شده نمی دانند.

برخی از مقتل نویسندگان نقل کرده اند:

چون زنان و خاندان حسین (علیه السلام) از شام باز گشتند و به سرزمین عراق رسیدند، به راهنمای قافله گفتند ما را از کربلا ببر.

پس راه کربلا را پیش گرفتند تا به قتلگاه رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری و جمعیتی از بنی هاشم و مردانی از اولاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای زیارت قبر حسین (علیه السلام) بدانجا آمده اند. آنان همگی به عزاداری پرداختند، و با گریه و اندوه مجلسی را به پا داشتند که دلها را جریحه دار می ساخت. (1)

مورخان آن روز را بیستم صفر سال 61 هجری قمری مصادف با اربعین شهادت امام حسین (علیه السلام) دانسته اند و گویا این کاروان سر حسین (علیه السلام) را همراه خود داشتند و در همان نخستین روز ورود به بدنش ملحق کرده اند. (2)

اما سید بن طاووس که حضور اهل بیت امام حسین (علیه السلام) را در نخستین اربعین نقل کرده است، در کتاب «اقبال» در اعمال روز بیستم صفر، بعد از اشاره به آنچه که در لهوف نوشته است، می افزاید: وقوع قضیه یاد شده بعید است، زیرا که عبیدالله زیاد واقعه کربلا را در نامه ای به یزید گزارش داد و از او نسبت به انتقال اهل بیت به شام، اجازه خواست و تا دریافت پاسخ، که مدت بیست روز یا بیشتر طول می کشد، منتظر ماند.

و دیگر آن که روایت شده:

چون اهل بیت را به شام فرستاد، ایشان را یک ماه در مکانی جای دادند که مانع از گرما و سرما نبود. بنابراین مقتضی است که رسیدن ایشان به مدینه و یا کربلا پس از اربعین باشد. (3)

علاوه بر این که سید بن طاووس که ناقل روایت آمدن اهل بیت به کربلاست، خود این روایت را در اثر دیگرش نقد کرده است. دیگر مورخان و محدثان نیز آن را تایید نکرده و بلکه خلاف آن را گفته اند. چنانکه شیخ مفید در مسالشیعه می نویسد: بیستم ماه صفر، روز بازگشت خاندان حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) از شام

به سوی مدینه طیبه است و آن روزی است که جابر بن عبدالله انصاری جهت زیارت قبر حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) از مدینه به کربلا وارد شد و او نخستین کسی است که آن حضرت را زیارت کرده است. (4)

میرزا حسین نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان پس از نقل موارد ذکر شده می نویسد: ظاهر عبارت شیخ مفید و دیگر راویان آن است که روز اربعین از شام بیرون آمدند نه آن که وارد مدینه شدند، چنانکه بعضی توهم کرده اند؛ چون از دمشق تا مدینه کمتر از یک ماه سیر قافله طول نمی کشد، به ویژه آن قافله حسب دستور یزید به نعمان که با آن رفتار نموده است، و دوری مابین این دو سرزمین بیش از دویست فرسخ است و اگر مراد آن بود، تغییر عبارت نمی داد و در حق جابر که اختلافی در ورود او به کربلا در روز اربعین نیست به ورود در اینجا رجوع تعبیر فرمود و در هر حال این کلمات صریح است در نیامدن ایشان به کربلا، در غیر این صورت در قایع ماه صفر ذکر آن از جهاتی مطلوب و اولویت داشت. (5)

مرحوم نوری برای اثبات نظر خود دلیل دیگری می آورد و آن روایت ورود جابر بن عبدالله انصاری به کربلای معلی است، که در منابع معتبر نقل شده است: عطیه بن سعد بن جناده عوفی، که از روات امامیه است و اهل سنت در رجال خود تصریح کرده اند که وی راستگو بوده و در سال 111 هجری قمری وفات کرده، چنین روایت کرده است: با جابر به جهت زیارت حسین بن علی (علیه السلام) بیرون رفتیم، آنگاه شرح داده کیفیت ورود خود و جابر را به کربلا که به اجمال چنین است که جابر غسل کرد و خود را شبیه محرمان نمود و خود را خوشبو نمود، و چون نابینا بود عطیه دستش را به قبر مطهر رسانید، پس بیهوش شد، آب بر او پاشیده به حال آمد. پس به سوز دل سخنانی جگرسوز به آن حضرت عرض کرد. آنگاه بر شهداء سلام کرد و در آخر کلامش گفت: که ما نیز شریک بودیم در آن امری که داخل شدید. یعنی مجادله و مقاتله و نصرت ذریه خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) (6).

عطیه گفت: ما رنجی نکشیدیم و شمشیری نزدیم، ولی سرهای این گروه از بدن جدا و زنانشان بیوه و فرزندانشان یتیم شدند، چگونه در اجر با ایشان شریک باشیم؟ جابر در جواب حدیث نبوی را که خود شنیده بود، ذکر نمود که هرکس دوست دارد عمل قومی را، با ایشان در ثواب آن عمل شریک باشد.

و گفت: نیت من و اصحابم بر همان نیت حسین (علیه السلام) و اصحاب اوست.

آنگاه فرمود: مرا ببرید به طرف خانه های کوفه. چون مقداری از مسافت راه سپری شد فرمود: ای عطیه آیا تو را وصیتی بکنم؟ و گمان ندارم بعد از این سفر دیگر تو را ملاقات کنم.

پس او را به دوستی دوستان آل محمد (صلی الله علیه و آله) و دشمنی با دشمنان ایشان امر کرد. (7)

از این خبر شریف معتبر معلوم می شود جابر چند ساعتی بیش، در آن جا درنگ نکرد و کسی را ملاقات ننمود. و دراین راستا بعید به نظر می رسد که اهل بیت وارد شوند و با جابر ملاقات کنند و عطیه در نقل چگونگی آن سفر زیارت با جابر ادا اشاره به آن نکند.

همچنین سیدبن طاووس در مصباح الزائر در اعمال روز اربعین روایت کرده از عطا و ظاهرا همان عطیه مذکور در خبر سابق است، گفت: من در بیستم صفر با جابر بن عبدالله انصاری بودم تا اینکه به غاضریه رسیدیم؛ آنگاه جریان غسل و سعد و بیهوشی جابر را ذکر نمود.

پس از افاقه زیارتی از او نقل کرد که به آن بر آن حضرت سلام کرد و معروف است آن زیارت به زیارت آل الله (صلی الله علیه و آله) و نیز زیارت مختصری برای علی بن الحسین (علیه السلام) نیز مختصری برای شهداء. آنگاه بر سر خبر حضرت ابوالفضل رفت و زیارت کرد و نماز به جای آورد و رفت. (8) و در آن جریان اشاره به ورود اهل بیت نشده است. و گمان ندارم صاحب عقل سلیمی باور کند که حضرت سجاد (علیه السلام) به آنجا بیاید و در ظاهر

اول زیارت آن جناب باشد و اشاره به آن نشود و زیارتی و سخنی از آن حضرت نقل نکند و از جابر نقل زیارت کند، که تاکنون شیعیان در آن روز به آن عمل کنند. (9)

با این وجود نقدها بر روایت یادشده وارد است و به همین جهت تعدادی از محققین این رخداد را موافق با واقعیات تاریخی نمی دانند به ویژه آنکه مسیری که کاروان طی می کرده با موقعیت جغرافیایی کربلا، تلاقی نداشته، اما عده ای دیگر از پژوهشگران با توجه به شواهد و دلایل تاریخی و نقشه های جغرافیایی و راه های شوسه قدیم، وقوع چنین واقعه ای را چندان بعید نمی دانند چنانکه محقق دانشمند آیت الله شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی (ره) در پژوهشی گسترده، ضمن ارائه اسناد و مدارک بسیار، کوشیده است تا ثابت نماید که ملاقات جابر با کاروان اهلبیت و مجلس سوگواری، در نخستین اربعین شهادت رخ داده است و کاملاً با حقایق تاریخی و موقعیت های جغرافیایی سازگار است. (10)

البته با توجه به مطالبی که از سید بن طاووس نقل شد و در بعضی منابع دیگر نیز آمده است پذیرش این مطلب دشوار به نظر می رسد هر چند که نمی توان با قاطعیت نیز آن رد کرد. مطلب دیگری که در راستا قابل بررسی است و نیاز به تامل دارد بررسی وقایع مرتبط با واقعه اربعین حسینی است که به نظر می رسد تحقیق و تتبع در این زمینه برخی از ابهامات را مرتفع سازد. به طور کلی وقایعی را که با رسیدن کاروان اسرا به کربلا رابطه مستقیم دارد می توان در امور ذیل خلاصه نمود:

- 1 - مدت زندانی بودن اهل بیت سیدالشهداء (علیه السلام) در کوفه و زمان حرکت آنان به سوی شام
- 2 - مسیر کاروان اسرا از کوفه تا شام
- 3 - زمان صرف شده برای رسیدن به شام
- 4 - مدت زمان اقامت اهل بیت امام در شام
- 5 - مسیر بازگشت از شام به مدینه و بررسی احتمال عزیمت آن کاروان به کربلا و رسیدن به آن جا در اربعین اول

بررسی موارد مذکور پنجگانه در رابطه با موضوع مورد نظر ما می تواند بعضی از ابهامات را تبیین نماید و در نهایت بتوانیم به به یک نتیجه کلی در این رابطه نائل شویم هر چند که بسیار مشکل به نظر می رسد ولی وقتی مدت زمان زندانی شدن اهل بیت در کوفه و همچنین زمان حرکتشان به سوی شام مشخص شود و مسیر حرکت کاروان از کوفه به سوی شام معلوم گردد و همچنین مدت زمان صرف شده برای رسیدن به شام و نیز اقامتشان در شام و از طرفی بررسی مسیر بازگشت از شام به مدینه و احتمال عزیمت آن کاروان به کربلا مورد بررسی قرار گیرد شاید بتوان در نهایت در رابطه با رسیدن کاروان اهل بیت به اربعین حسینی به یک جمع بندی رسید. در هر صورت در رابطه با اربعین حسینی و رسیدن کاروان به اربعین اول دو احتمال وجود دارد که احتمال اول این است که قرائن و شواهد گویای آن است که رسیدن اهل بیت به کربلا در اربعین اول بعید به نظر می رسد. احتمال دوم آن است که اهل بیت در اربعین اول در کربلا حضور یافته اند و سه روز در آنجا به اقامه عزا پرداخته اند و سپس به طرف مدینه حرکت کرده اند ولی در اینکه جابر بن عبدالله انصاری در اربعین اول شهادی کربلا در کربلا حضور داشته جای تردید نیست و مورخین شیعه و سنی آن را نقل کرده اند.

- 1- لهوف، سید بن طاووس، ص.86
- 2- الآثار الباقیه، ترجمه، ج2، ص392، تهران: 1321
- 3- اقبال، سیدبن طاووس، ص.589
- 4- مسارالشیعه، شیخ مفید، ص 46. و مصباح المجتهد، شیخ طوسی، تصحیح اسماعیل انصاری زنجان، ج3، ص730 و مصباح کفعمی، بیروت: مؤسسه اعلمی، 1403 ق ، ص489 و 510
- 5- لؤلؤ و مرجان، چشم اندازی به تحریفات عاشورا، میرزا حسین نوری، تحقیق مصطفی درایتی، ص229-235، قم: انتشارات مطهری، 1379ش.
- 6- تفسیر تاریخ سرخ، محمد جواد صاحبی، ص358، چاپ دوم، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه، 1384شمسی.
- 7- بشاره المصطفی، طبری، ص74-75
- 8- بحارالانوار، مجلسی، ج101، ص329 به نقل از مصباح الزائر.
- 9- لؤلؤ و مرجان، چشم اندازی به تحریفات عاشورا، میرزا حسین نوری، تحقیق مصطفی درایتی، ص236، قم: انتشارات مطهری، 1379ش.
- 10- تحقیق درباره اول اربعین، سیدمحمد علی قاضی طباطبایی(ره)، چاپ دوم، تبریز: 1379قمری.

به قلم :

حجت الاسلام علی جدیدبناب